

مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت داخلی

عباس پورسیف

استراتژی تعاریف متعددی دارد. در فرهنگ لغت بعنوان فن اداره رفتار و عملیات نظامی آمده است. جی سی وایلن در کتاب استراتژی نظامی، استراتژی را یک نقشه عملیاتی می‌داند که برای دستیابی به یک نتیجه نهایی طراحی شده است، نیتی خاص که تدابیری برای اجرای آن اندیشیده‌اند.

جان ام کالنیز استراتژیست آمریکایی، استراتژی را آمیزه‌ای از دو سطح تخیلی و عینی می‌داند که سطح تخیلی به عهده فلاسفه و نظریه پردازان استراتژی است و سطح عینی به طراحان عمل‌کننده مربوط است.^(۱) نقص عمده تعاریف استراتژی این است که تنها به موضوع عملیات منحصر می‌گردد، اما تعریف کالنیز اگر چه نقص معمول تعاریف استراتژی را ندارد، ولی مبهم است و بعلاوه جامع نیست. برای آنکه بتوانیم تعریف جامعی از استراتژی ارائه دهیم، لازم است مؤلفه‌های حرکت‌های سازمان یافته اجتماعی مشخص شود. برای این حرکتها حداقل سه مؤلفه را می‌توان تصور کرد: هدفمندی، تشکل و گام‌های عملیاتی که به ترتیب تحت سه عنوان بنیان ترجیحات، بنیان تشکیلات و بنیان تأسیسات تعریف می‌شوند.

الف) بنیان ترجیحات:

تمام حرکات زاییده نیاز هستند، اما نیازها می‌توانند واقعی باشند و یا مبتنی برخواست و تمایلات افراد تعریف بشوند؛ بعلاوه می‌توانند مادی و یا ناظر بر تمام جنبه‌ها باشند و بالاخره اینکه محدود به نیازهای کوتاه مدت باشند و یا مطلقاً به

عنوان نیازهای آتی مورد توجه قرار گیرند. با این توضیح معلوم می‌شود، اهداف یک حرکت اجتماعی می‌توانند سطوح متفاوت و دامنه‌ای گسترده داشته باشند. لذا اصولی لازم است تا دامنه انتخاب و تصمیم‌گیری محدود شود.

ب) بنیان تشکیلات

وجود منابع به تنهایی عامل ایجاد قدرت نمی‌باشد، بلکه این ترکیب منابع است که می‌تواند نیروی محرکه حرکت را تولید نماید. بنیان تشکیلات، چگونگی ترکیب عوامل و منابع قدرت را مشخص می‌سازد که از یک سو متناسب با اهداف و نیازهاست و از سوی دیگر متکی بر شناخت محدودیت‌ها و تمام مقدرات می‌باشد و بالاخره متأثر از عملکردها و پیش‌بینی‌هاست. چون شناخت و طرز تلقی‌ها نسبت به این فاکتورها همیشه یکسان نیست، در این صورت سازماندهی حرکت نیز می‌تواند شکل متناسب یا نامتناسب بخود بگیرد و به هر حال دامنه وسیعی از اشکال مختلف سازمان با مبانی مختلف قابل تعریف است.

ج) بنیان تأسیسات

این بنیان از طریق تعریف قوانین و مقررات، تکالیف و وظایف، گام‌های عملیاتی و توالی آنها مشخص می‌سازد که از یک طرف متأثر از دو بنیان ترجیحات و تشکیلات است و از طرف دیگر بر اساس تحلیل شرایط حال و موقعیت زمانی و مکانی تبیین می‌گردند که به هر حال جنبه قطعی وجود ندارد و اقدامات عملی و راه‌کار اجرایی بیشماری را می‌توان بر این رابطه تعریف نمود.

با توضیح مختصر فوق می‌توان گفت که هر استراتژی دو نقش عمده را به عهده دارد: الف) از طریق تعریف اصول و پیش‌فرض‌هایی که ناظر بر هر سه بنیان حرکت بوده و مانع از عنان‌گسیختگی تصمیم‌گیرها شده و دامنه انتخاب‌ها را محدود می‌سازد، ب) مجموعه‌ای از حرکات مکمل و هم‌هویت را پوشش وحدت بخش داده، مجموعه را هماهنگ و منسجم بسوی ارضاء نیازهای واقعی برتر و کلان تر به پیش می‌برد. به این ترتیب استراتژی امنیت داخلی، انواع حرکات اجتماعی را که بر ضد طیف وسیعی از مفاسد اجتماعی و اخلاقی‌ها و ناآرامی‌ها صورت می‌گیرد، در زیر

چتر خود به وحدت رسانیده و با تعریف اصول و مبانی، آنها را در مسیر صحیح هدایت می‌کند. نتیجه آنکه هر استراتژی مجموعه‌ای از اصول و پیش فرض‌هایی است که دامنه نوسان و تغییر پذیری سه بنیان ترجیحات، تشکیلات و تأسیسات را محدود می‌سازد تا اینکه هدف نهایی تحقق یابد. با این تعریف معلوم می‌شود که استراتژی گام‌های عملیاتی را تعریف نمی‌کند، بلکه اصول گام برداشتن را مشخص کرده و این به عهده مجریان است؛ این استراتژی تشکیلات را مشخص نمی‌کند، بلکه پیش فرض‌ها و مبانی لازم را تعریف می‌کند تا تشکیلات بر اساس آن مبانی و با توجه به شرایط، شکل متناسب را پیدا کند و نیز استراتژی با تعریف اصالت و اهداف دوربرد، مانع از متوقف ماندن بر اهداف جاری و یا نوسانات و سردرگمی‌ها می‌شود. قبل از بررسی استراتژی امنیت داخلی بایستی نکات مهمی را که در تدوین هر استراتژی مراعات می‌گردد، مورد اشاره قرار داد:

۱- استراتژیها باید از انسجام درونی برخوردار باشند و اصول و مبانی معرفی شده در هر جنبه با یکدیگر ارتباط مستحکم داشته باشند. اصولاً استراتژیها ارزش‌ها را معلوم می‌سازند و تا این ارزشها از یک منبع تغذیه نکند و با یکدیگر ارتباط منطقی نداشته باشند، امید اجرای موفقیت آمیز کاهش خواهد یافت.

۲- استراتژیها باید به عنوان جزئی از یک استراتژی کلان تر، هماهنگ و متأثر از روح حاکم بر استراتژی کل باشند، چنانچه استراتژی امنیت داخلی باید ارتباط مستحکمی با استراتژی امنیت ملی داشته باشد.

۳- از مطلب فوق اینطور بدست می‌آید که باید استراتژیهای مکمل و موازی با یکدیگر هماهنگ باشند. استراتژی امنیت داخلی وقتی موفق و مؤثر خواهد بود که از طرف سایر استراتژیهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بخوبی حمایت گردد. اگر استراتژی امنیت داخلی وظیفه هدایت همه جانبه و کاربرد قوه قهریه را به عهده دارد، پس تا زمانی که اعمال این قدرتها در راستای استراتژی‌های سیاسی و فرهنگی و... قرار نگیرد؛ اثر بخشی تدابیر، مطلوب نخواهد شد. این واقعیت را نمی‌توان انکار نمود که بهم پیوستگی ابعاد زندگی اجتماعی انسان به گونه‌ای است که تعریف جداگانه و تفکیک استراتژیهای مختلف در نهایت به زیان اهداف استراتژی حفظ نظام ختم خواهد شد. به عبارت دیگر امنیت داخلی تنها با گروه‌های محارب به خطر نمی‌افتد،

بلکه هر قصور و تقصیری در ابعاد اقتصادی و فرهنگی و ... نیز بر امنیت داخلی اثر منفی بر جای خواهد گذاشت. اگر استراتژی حفظ نظام متضمن توسعه هماهنگ قدرت و توانایی‌های ملی نباشد و اگر رشد و توسعه اقتصادی با حفظ هویت فرهنگی بدرستی گره نخورد، هم باعث ایجاد زمینه‌های ناامنی بیش از پیش خواهد شد و هم امکانات مقابله را ناهماهنگ، ضایع و تباه خواهد نمود.

۴- اگر وفاداری و تعهد مسئولین نسبت به اصول و پیش فرض‌ها بایسته نباشد، هر قدر هم که استراتژیها کامل باشند، مع الوصف هیچ توصیفی از تدوین استراتژیها بدست نخواهد آمد. هر چه ضریب تفاهمات و تعهدات مسئولین و دستگاههای حکومتی بر اساس استراتژی باشد، قطعاً در رویارویی با حوادث، خصوصاً رخدادهای غیر مترقبه نتیجه بهتری عاید خواهد شد. اگر استراتژیها تابع گرایشات سیاسی و ملاحظات شخصی و گروهی قرار بگیرند و اگر پایبندی به اصول وجود نداشته باشد و یا درک یکسانی از استراتژیها و مفاهیم آن در اذهان مسئولین نباشد، چگونه می‌توان از وحدت تلاشها و تدابیر، که در حقیقت شرط عملی موفقیت و کنترل و حل مشکلات می‌باشد، اطمینان حاصل کرد؟ خصوصاً در مورد استراتژی امنیت داخلی باید این تفکر در همه مسئولین گسترش یابد که وقوع هر ناآرامی چون به امنیت ملی اعتبار و حیثیت حکومت اسلامی مربوط می‌شود، قطعاً با مسئولیت‌های ایشان نیز ارتباط مستقیم دارد، بنابراین در صورت لزوم و در هر مقطع باید آماده همکاری جدی و حرکت در مسیر تدابیر اندیشیده شده باشند.

۵- استراتژیها با دو معیار "عدم غافلگیری" و "بسیج حداکثر امکانات" مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و بر همین اساس تکامل می‌یابند. هر غافلگیری، تجدید نظر اساسی در استراتژی را ضروری می‌سازد و تلاشی تازه را در تحلیل دقیق‌تر شرایط محیطی و پیش‌بینی صحیح تر آینده طلب می‌کند. اگر تکیه‌گاه استراتژی‌ها نیازهای واقعی باشند و منابع قدرت بخوبی شناسایی شده باشند و محدودیت‌ها و تنگناها از قبل معلوم گردیده باشند، هر رخدادی با حداکثر بسیج امکانات قابل کنترل خواهد شد.

بنیان ترجیحات استراتژی:

همانطوری که اشاره گردید هر استراتژی برای حرکات سازمان یافته اجتماعی، باید

بتواند اصولی را در هر سه بنیان ترجیحات، تشکیلاتی و تأسیساتی معرفی نماید. در مورد اصول و پیش فرض‌هایی که ناظر بر بنیان ترجیحات حرکت ضد آشوب در معنای وسیعش می‌باشد بایستی به چند اصل مهم اشاره گردد.

۱ - اطاعت بدون توسل به قوه قهریه و تأخیر در انسان‌کشی بزرگترین رسالت استراتژی امنیت داخلی است. بکارگیری قوه قهریه نباید یک حرفه مطلوب و محبوب تلقی شود و تا آنجایی که ممکن است اخلال‌گران با اقدامات مسالمت‌آمیز که مکمل قدرت می‌باشند کنترل شوند. برخوردی با دشمن توأم با موفقیت است که با حداقل درگیری خشونت‌آمیز اهداف را دست یافتنی سازد. فی‌المثل در مقابل یک آشوب سازماندهی شده طی کردن مراحل ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

- آگاهی کامل از قصد و انگیزه آنان از طریق گفتگو و مذاکره.

- احتجاج و استدلال برای روشن نمودن ابهامات و تفسیر صحیح واقعیات.

- وفاداری به عهد و پیمان و عدم توسل به مکر و نیرنگ.

- اما در صورت اثبات عنادورزی اخلال‌گران، باید آمادگی و قدرت مؤاخذه وجود داشته باشد. نباید تصور کرد که با عقب نشینی و مماشات آنها خرسند خواهند شد، بلکه دامنه خواستهای غیر منطقی آنها توسعه می‌یابد. سیره علی «ع» در تمام جبهه‌های داخلی و در رویارویی با فتنه‌ها بسیار روشنگر است. ایشان بدون استثناء، در تمام درگیریها، پافشاری و اصرار بر حق را با تأخیر و مهلت دادن به فتنه‌انگیزان همراه کرده بودند. "آدمکشی هرگز دیر نمی‌شود، بگذارید حتی یک نفر هم که بوده باشد با گذشت زمان، چه یک روز یا یک ساعت، بخود بیاید و با مشاهده رفتار عادلانه ما هدایت شود. شتابزده نباشید، حضرت رسول «ص» به من فرمودند: اگر خداوند بوسیله تو یک انسان را هدایت کند بهتر از هر چیز است که آفتاب بر آن طلوع و غروب کند." (۱)

۲- ایمنی بیشتر، در گسترش و تعمیق اصول اخلاقی است. بر خلاف آنانی که ایمنی را در گرو توسعه اقتصادی می‌دانند باید معتقد بود تعمیق و گسترش مکارم اخلاقی، هم مانع از اغفال و آلت شدن می‌شود و هم اطمینان بیشتری به اجرای قوانین و

مقررات اسلامی می‌دهد و این هر دو بنحو بارزی مانع بی‌ثباتی و ناامنی اجتماعی می‌شود. توسعه اقتصادی گرچه بسیاری از زمینه‌های آشوب و ناامنی را که از بطن فقر و چندگانگی‌های اقتصادی می‌رویند نابود می‌سازد، اما مطابق قرآن آنها که در فقر و نداری خدا را یاد می‌کنند، بیش از آنهایی هستند که در رفاه و برخورداراری از نعمات، خدا شناسند. آیه ۹۴ سوره اعراف بیان می‌دارد که سنت خداوند اینچنین است که هر پیامبری که به شهر و آبادی فرستاده می‌شود و از آنجا که منظور، هدایت بندگان است، بهمین جهت اهل آن ناحیه بنحوی دچار شداید مالی و جانی می‌شوند. مادامی که انسانها در ناز و نعمتند، کمتر آمادگی پذیرش حق را دارند اما وقتی نعمت از کف می‌رود، احساس غرور به ذلت و مسکنت تغییر حال داده به جزع و فزع و در نهایت پناه بردن به خدای سبحان و اداری می‌شوند و به این ترتیب آماده پذیرش حقایق خواهند شد. اما در آیه ۹۵ همین سوره اشاره می‌کند که نزول عذاب الهی بعد از گشایش و وفور نعمت است. زیرا در این حال غرور و غفلت از خداوند و در نتیجه انحرافات آشکارتر می‌گردد.

۳ - جریان آزاد اندیشه‌ها و نمایش چهره واقعی آزادی اسلامی می‌تواند مجموعه مقدرات مردمی و حکومت را در یک جهت متراکم و بخدمت گسترش و تقویت اقتدار اسلامی در آورد. وقتی اندیشه‌ها ابراز نگرند و در صورت بیان، جواب و توجیه صحیح نگیرند، زمینه‌های ناامنی ایجاد می‌شود. جریان آزاد افکار، هم طریقه مناسبی را برای ارزیابی عملکرد مسئولین معرفی می‌کند و هم امکان تمیز معاند از حق طلب را فراهم می‌آورد و هم موافقت عمومی را برای سرکوب افکار توطئه‌گر جلب می‌کند.

۴ - آنچه مجوز برخورد و در نهایت سرکوب فتنه‌انگیزان و آشوبگران را صادر می‌کند، تدابیر قسط‌آمیز و بسط عدالت‌های اجتماعی و ظلم‌ستیزی حکومت اسلامی می‌باشد. وقتی تسلیم مقابل حق و عمل به واجبات اسلامی، سرلوحه تمام برنامه‌های حکومت و رفتار مسئولین نظام باشد و نه تنها ریاست‌ها وسیله ارتزاق نباشند، بلکه امانت الهی تلقی شده باشند، و اگر همه در پیشگاه قانون یکسان باشند و تساوی حقوق اجتماعی و منزلت انسانی مراعات گردد، و اگر نسبت به خائنین بیت‌المال سخت‌گیری‌های لازم صورت گیرد؛ آنگاه تمام تدابیر ضد ناآرامی‌ها، ارزش و اصالت پیدا می‌کنند و هر برخورد قهرآمیز در صورت نیاز عامل تقرب بخدا خواهد شد. باید

توجه داشت هر اقدام حکومت اسلامی در کنترل ناآرامی‌ها، هم از ارزشهای اصیل اسلامی برمی‌خیزد و هم به قصد توسعه و گسترش آنها صورت می‌گیرد و از همین جا مسیر حکومت اسلامی از سایر حکومت‌ها جدا می‌شود، زیرا در حکومت اسلامی تمام مقصد، مکتب است و دفاع از نوامیس دینی و مرزبانی از آیین الهی نهایت همه تلاشها خواهد بود. لذا به ناحق نمی‌توان اسلحه‌ها را نشانه گرفت، مگر تدبیر قسط‌آمیز حکومت اسلامی ایجاب کند.

بنیان تشکیلات استراتژی:

همانطور که اشاره شد استراتژیها نمی‌توانند نسبت به بنیان تشکیلات حرکات اجتماعی بی تفاوت باشند، بلکه با تعریف مبانی و چهارچوب‌هایی، دامنه تغییر تشکیلات را محدود می‌سازند و آنرا در بستر مناسب قرار می‌دهند. نمی‌توان نقش تناسب تشکیلات ضد فتنه را در جلوگیری از اغتشاش‌ها و کنترل آنها انکار کرد. مطابق آیه ۶۰ سوره انفال دو عامل مهم و اساسی که ضامن اقتدار و استحکام دستگاههای ضد آشوب می‌باشند، اشاره می‌گردند:

۱ - ۱) قوه: تمام نیروها و امکاناتی که به نحوی در ایفای نقش سرکوب و کنترل آشوبها مؤثر هستند، تحت عنوان "قوه" قابل طرح می‌باشند و از این میان به سه مورد مهمتر می‌توان اشاره نمود:

الف) کیفیت نیروی انسانی: توانایی دفاع از نظام اسلامی ارتباط وسیعی با کیفیت نفرات دارد. و لذا هر سرمایه‌گذاری در ارتقاء کیفیت و توانمندی‌های نیروی انسانی بالاترین اولویت را خواهد داشت و باید آموزش‌های مقابله و اعتلای تخصص‌ها و مقدم بر همه، تقویت وجدان و سجایای اخلاقی مورد تأکید جدی قرار گیرد. نیروی کیفی، نیرویی است فرمان‌پذیر و خیر خواه که دلش از همه پاکتر و در شکیبایی از همه پایدارتر می‌باشد، آنها که صبور هستند باید عَلم عدالت را به دست بگیرند، شجاعت روحی و برخوردارگی از آموزشهای نظامی چریکی و جنگ شهری و هر توانمندی دیگر در کنار تواضع، کارساز خواهد بود؛ خصوصاً آنهایی که سلاح بدست می‌گیرند باید بیش از همه مورد توجه باشند تا دستخوش غرور و انحراف از ارزشهای انسانی و گرایش به سرکشی نگردند. بدون تردید اجرای عدالت، برخی را به صف ناراضیان

خواهد کشانید، اما نباید به این بهانه دست از عدالت کشید؛ زیرا رفتارهای ظالمانه به مراتب عده بیشتری را ناراضی خواهد ساخت. مقابله و سرکوب به خاطر سلطه جویی منفور است و نیروهای تأمین‌کننده امنیت داخلی فقط به جهت برکندن خاره‌های مزاحم و ریشه کن کردن طاغیان و مفسدان می‌پردازد، افرادی که سد کننده‌های مسیر حق هستند و آنهم پس از ارشاد و دعوت به بازگشت با توسل به تمام شیوه‌های مسالمت‌آمیز، دست به خشونت می‌زنند. در حقیقت نیروهای تأمین‌کننده امنیت داخلی را بایستی منادیان حق و حامیان حکومت اسلامی و پیک‌های نور و روشنایی دانست.

ب) کمیت نیروها: بدون شک بهره‌گیری از نیروها و مقدمات بالقوه و قابل بسیج و افزایش قدرت فعال، خصوصاً آنجایی که ابعاد تشنج رو به گسترش می‌گذارد، بسیار تعیین‌کننده بوده و نقش اساسی را در ارباب و تحدید دامنه آشوب بازی می‌کند. اما این واقعیت نباید باعث شود که در مقابل ناآرامی‌های پیچیده از نیروهای تخصصی استفاده نشود. البته اندازه نامعقول نیروهای تخصصی نیز هم منابع مالی را می‌بلعد و هم برکارایی آنها در حفظ امنیت و سرعت عمل اثر منفی بر جای می‌گذارد. چند عامل مهم که می‌تواند بر اندازه نیروها اثر تعیین‌کننده داشته باشد را می‌توان نام برد:

۱- نقاط مختلف هیچگاه دارای ارزش و اهمیت یکسان نیستند. بر اساس اولویت‌بندی مناطق لازم است در نقاط حساس «چه درون شهری و چه شهری و استانی» نیروهای دایمی و متخصص مستقر باشند تا بتوانند با سرعت با تهدیدات محتمل الوقوع مقابله لازم را به عمل آورند. این نیروها باید نسبت به اوضاع جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی و ... منطقه، آشنا و توجیه باشند و از مهارت‌های چند منظوره برخوردار باشند.

۲- زمانها نیز ارزش یکسانی ندارند، بلکه در مقاطعی لازم است نیروهای جدید وارد صحنه گردند. بسته به درجه اهمیت زمانها، نیروها نیز شکل پیچیده و تخصصی به خود می‌گیرند. بنابر این قابلیت تحلیل شرایط و امکان بسیج نیروهای جدید از ویژگی‌های مهم سازمان ضد آشوب خواهد بود.

۳- لزوماً پیش بینی‌ها جنبه قطعیت پیدا نخواهند کرد و همواره این احتمال وجود دارد که محدوده اغتشاشات و سرعت گسترش آن خارج از انتظارات و ناسازگار باشد،

بنابر این وجود نیروهای ذخیره و برخوردار از تحرک و آمادگی مناسب ضروریست تا در وقت مقتضی نیروهای ثابت را پشتیبانی کنند.

۴ - پیچیدگی بیشتر آشوب، جلب حمایت و پشتیبانی‌های مردمی را ضروری می‌سازد، لذا سازمان ضد ناآرامی باید قابلیت به کنترل گرفتن جو عمومی جامعه و همچنین مسایل خبری را داشته و جلب حمایت‌های شخصیت‌های مذهبی و سیاسی را مد نظر داشته باشد تا احساس اضطرار و مشروعیت مقابله، به مردم القاء گردد تا حداکثر مقدورات مردمی به جریان در آیند.

ب) سیستم اطلاعات: نقش برجسته اطلاعات به عنوان یکی از مؤلفه‌های "قوه" در تأمین امنیت انکار ناپذیر است.

اطلاعات به طرق ذیل در خدمت امنیت داخلی عمل می‌کند:

۱ - در برخورد با تمام ناآرامی‌ها اصل بر عدم غافلگیری است. در مراحل مقدماتی، تحقیق و مطالعه روی زمینه‌های گوناگونی که می‌تواند بذر آشوبها را بارور سازد، ضروریست. بررسی شاخص‌های مختلف همبستگی‌های اجتماعی، ملی و مذهبی و درک جو سیاسی فرهنگی مناطق مختلف و شناسایی عناصر ذی نفوذ و ثبت و تحلیل معضلات محلی، سنتی و ... می‌تواند آمادگی‌های لازم را برای تنظیم سیاستهای اصلاحی و ارشادی فراهم آورد. تحقیقات دقیق و تتبعات علمی با بهره‌گیری از متخصصین و آگاهان علوم اجتماعی و اسلامی می‌تواند جریانات آشوبگر را حتی در مراحل اولیه کاملاً مورد شناسایی قرار دهد. برای کاهش احتمال اشتباهات باید بطور جدی روی سازمانهای مطالعاتی و اطلاعاتی سرمایه‌گذارهای اساسی صورت گیرد. اما در مراحل جدی‌تر، باید سیستم اطلاعات به کشف منافع و انتظارات و خواسته‌های اخلال‌گران اقدام نماید. بنابر این بیراه نخواهد بود، اگر پر تلاش‌ترین و حساس‌ترین و در عین حال گمنام‌ترین اجزاء سازمان ضد آشوب را در تمام مراحل سیستم اطلاعات و مطالعات بدانیم. برای تقلیل ضریب خطا، این سیستم باید از مرکزیت قوی برخوردار باشد تا اطلاعات بخوبی پردازش شده و اخبار و داده‌های ضد و نقیض بدرستی ارزیابی و همساز شوند. اطلاعات به طرق عادی و با بررسی مطبوعات، شایعات، رادیوهای بیگانه، مصاحبه‌ها و ... و یا از طرق مخفی و به کمک جاسوسان و نفوذیها و یا از طرق تحقیقات آکادمیک و بررسی بازتابهای فعالیت‌های مختلف حکومت، با نظر

سنجی‌های ثابت و عمومی جمع‌آوری می‌گردند؛ اما این گستردگی اطلاعات نباید مانع از تمرکز آن بشود، چراکه اصولاً یک معنای تمرکز، جمع‌آوری غیر متمرکز ولی پردازش متمرکز می‌باشد و این، نیاز به صحت نتایج را مرتفع خواهد ساخت.

۲- وظیفه دوم سیستم اطلاعات مشخص نمودن توان مقابله در هر لحظه و تعریف ظرفیت بسیج مردمی می‌باشد. چه بسا یک ارزیابی غیر واقع بینانه از منابع و امکانات موجود، بر حجم ضایعات و تلفات بیفزاید. هم اینجا می‌توان به نقش مانورهای شهری در مشخص ساختن ظرفیت مقابله، جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، بررسی نقاط ضعف و ناهماهنگی‌های احتمالی بین نیروهای عمل‌کننده و بالاخره نمایش قدرت که مؤثر در بازدارندگی است، اشاره کرد.

۳- وظیفه مهم دیگر سیستم اطلاعات، شناسایی دقیق موارد مؤثر در کندی یا سرعت عکس‌العمل‌هاست. تنگناهای بوروکراسی، کمیسیون‌بازیه‌ها، رعایت سلسله مراتب و ... مواردی هستند که اگر در اوضاع بحرانی از بین نروند ضربات جبران‌ناپذیری را باعث خواهند شد. این سیستم باید بتواند کلیه عواملی را که بر شدت و یا دقت و سرعت عملیات مؤثر است را از قبل بررسی کرده و تمهیدات مختلف و عکس‌العمل‌های مناسب را تنظیم نماید.

د) از مصادیق دیگر، مفهوم قوه سرمایه‌گذاری تجهیزاتی و مدرنیزاسیون می‌باشد. تکنولوژی مورد نیاز باید درونی و تحت کنترل باشد، فلذا باید بخوبی از سوی علوم و تحقیقات کاربردی حمایت و تغذیه شود. پیش‌بینی نیازها، تعیین توانایی‌ها و بکارگیری امکانات صنعتی از طریق ایجاد علاقه در مسئولین بخش صنعت، فرایندی است که ضرورتاً باید طی شود؛ بطور مشخص تر این سرمایه‌گذاری سه بعد پیدا خواهد کرد: (۱) سرمایه‌گذاری پژوهشی که جهت‌گیری ابتکاری و نوآوری خواهد داشت، (۲) سرمایه‌گذاری تولیدی با بکارگیری امکانات تکنولوژیکی و صنعتی موجود و (۳) سرمایه‌گذاری مدیریتی که قابلیت برقراری ارتباط بین پژوهش‌ها و تولید را دارند. به این ترتیب سازمان ضد آشوب هم از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی بهره می‌گیرد و هم قادر است به علوم و تحقیقات نظری جهت مورد نیاز را بدهد.

۲- (۱) قدرت انتقال: بجز قوه، یک سری از عوامل مؤثر در سازمان ضد ناآرامی‌ها تحت عنوان "قدرت انتقال" قابل بررسی هستند. باید توجه داشت، نیروها هر چقدر

سالم و با صلابت هم که باشند به تنهایی موفقیت بموقع را تضمین نخواهند کرد، مگر آنکه قدرت بدرستی منتقل بشود تا حداکثر کوبندگی و قدرت بدست آید. از عواملی در انتقال قدرت و تسریع حرکت بدان وابسته می‌باشد، مخابرات، رسانه‌های گروهی، راه و خطوط ارتباطی و سرعت تصمیم‌گیری است که به شرح آنها می‌پردازیم.

مخابرات: کارایی مقابله، بستگی به عملکرد یکپارچه دارد، فلذا سرمایه‌گذاری در امور مخابراتی و انتقال پیام و رمزها اجتناب ناپذیر خواهد بود. نقش منفی بُعد مسافت و امکانات پراکنده به این ترتیب تا حدود زیادی از بین خواهد رفت.

- رسانه‌های گروهی به عنوان پلی میان حکومت و مردم از اهمیت شایانی برخوردار هستند و به طرق ذیل بر حرکت و قدرت انتقال اثر می‌گذارند:

۱- القاء شور و امید و مشروعیت و پخش اخبار مربوط به مقاومت و استمداد و ...

۲- به اطلاع رساندن فرمانهای مسئولین

۳- بکارگیری علائم رمز در جهت هدایت نیرو

۴- هماهنگی ارتباطات بین مراکز مختلف

- و ...

- راه‌ها و سایر خطوط انتقال نیرو: سرمایه‌گذاری در ایجاد و ایمن سازی خطوط انتقال نیرو و تجهیزات مربوطه «راهها، فرودگاهها، بنادر و ...» بسیار حیاتی است و از قبل می‌بایست تمام طرق ارتباطی و انتقالی سنجیده و راه کارها و جوانب گوناگون در نظر گرفته شده باشند.

- سرعت تصمیم‌گیری و جریان صحیح تدابیر در اجزاء مختلف سازمان و دریافت به موقع بازتابها از طریق انتخاب مدیران لایق و اندازه تشکیلات مناسب و معقول افزایش خواهد یافت. نباید سازمان ضد آشوب در شبکه تار عنکبوتی بوروکراسی گرفتار باشد، و الا در جایی که نیاز به قبض و بسط سازمانی و تغییر سرعت واکنش، نقش حیاتی را بازی می‌کند، امکان پاسخگویی مناسب بدست نخواهد آمد.

نتیجه آنکه سرعت تصمیم‌گیری و خطوط انتقال پیام و نیرو و ایمن سازی آنها می‌تواند، توان مقابله و قوه سازمان ضد آشوب را بنحو چشمگیری افزایش بدهد؛ و الا در غیر اینصورت از ناهماهنگی و پراکندگی امکانات و عملیات انتظار توفیق قطعی نمی‌رود.

بنیان تأسیسات:

مقابله وقتی مؤثر خواهد بود که متکی بر درک مقتضیات زمان و مکان باشد. باید عمیقاً پذیرفت که برای هر موقعیت، تاکتیک و روش برخورد ویژه‌ای وجود دارد که با عدم درک آن چه بسا خسارتها دامنه وسیعی پیدا خواهد کرد. اما صرفنظر از اتخاذ هر تاکتیک، اصول راهنمایی را می‌توان مورد اشاره قرار داد. از جمله:

۱- اصل حل قطعی مناقشه و از بین بردن زمینه‌های آشوب می‌باشد. بدون تردید اگر ناآرامی‌ها بخوبی فیصله نیابد، خسارتها، مصائب و تحقیرها می‌تواند نطفه ناآرامی‌های جدیدتری باکینه توزی بیشتر را بوجود آورد. حل مقطعی بحرانها می‌تواند موقعیت خوبی برای مخالفین و سیاست بازان فراهم آورد تا به اقتضای منافع خود و موقعیت، آتش زیر خاکستر را شعله ور سازند.

۲- صرفنظر از هر تاکتیک، باید بر محدود کردن آزادی عمل آشوبگران و توسعه آزادی عمل سازمان عمل‌کننده تأکید لازم وجود داشته باشد و این ایجاب می‌کند که از یکطرف همه توان و انرژی در یک زمان و مکان به جریان نیفتد و از طرف دیگر آمادگی چرخش سریع از برخورد‌های نرم تر به کوبنده تر و توسعه اقدامات وجود داشته باشد. هیچوقت نتیجه ارزیابی‌ها قطعی نیست و اوضاع محیطی نیز همیشه پایدار نخواهد ماند، بنابر این انعطاف پذیری ضرورت تام دارد. جزم اندیشی مهمترین آفت تاکتیک‌ها می‌باشد.

۳- تا حد ممکن، هم از حیث طولی و هم عرضی می‌بایست توالی گام‌ها و اقدامات مشخص باشد. بحرانهای داخلی معمولاً در همجواری مناطق شهری و در کنار و متن زندگی مردم بوقوع می‌پیوندند، لذا هیچ ریسک یا اهمال و غفلتی پذیرفتنی نیست. اصلاً صحنه درگیری مکان مناسبی برای طراحی برنامه‌ها نیست، بلکه فقط می‌توان طرحهای عملیاتی را با اوضاع سازگار کرد. هر چه حساسیت زمانی و مکانی بیشتر باشد لزوم به کارگیری تاکتیک‌های سریع و دقیق با قابلیت محدود سازی بیشتر خواهد بود.

۴- تاکتیک‌ها باید قادر باشند بنحو ماهرانه‌ای اراده ملی و مردمی را به کار بگیرند و این درست به اندازه از کار انداختن اراده آشوبگران اهمیت دارد. دستاوردی پر دوام و مطمئن تر است که مشمول حمایت مردمی بیشتری باشد.

- ۵- اصل این است که در مراحل اولیه ناآرامی‌ها از تاکتیک‌های جلوگیری استفاده شود. بی اثر سازی علل بحران احتمالی و بی اعتبار کردن انگیزه‌های اخلال گران به طرق مشروع منظور اصلی از این نوع تاکتیک‌هاست. حضور به موقع مسئولین و گزارش عملکردها، وعده‌ها و قول‌های لازم و صادقانه، بیان استدلال‌ات بر اساس درک عمیق و دقیق نظرات و احساسات معترضین می‌تواند بسیاری از حرکات اعتراضی را در همان مراحل اولیه شکل گیری خنثی سازد. در مراحل جدی تر، تاکتیک‌های بازدارنده نقش حساسی را بازی می‌کند. بازدارندگی متضمن این معناست که با تهدید و ارعاب، نیت معترضین تغییر یابد و این وقتی امکان پذیر است که الف) تهدیدها واقعاً جدی و متناسب باشد و ب) توان اعمال تهدید وجود داشته باشد، فریب همیشه مؤثر نیست و می‌تواند آشوبگران را جری تر و جسورتر سازد و ج) در آشوبگران این اطمینان بوجود آید که در صورت لزوم تهدیدها عملی خواهد شد.
- ۶- رخنه در سازمان اغتشاش گران برای کسب اطلاعاتی در مورد خواسته‌های واقعی آنان، شناسایی رهبران و عناصر اصلی، ایجاد ترس و تفرقه، بکارگیری عملیات روانی و تبلیغی هماهنگ و بالاخره بقیه سپر حفاظتی برای تأمین امنیت مناطق حساس شهری از پایه‌های اصلی هر نوع تاکتیک اتخاذی می‌باشد.
- ۷- قطع نظر از هر تاکتیکی، باید اقدام سریع و مستقیم بر علیه رهبران آشوبها صورت بگیرد. عملیات تا وقتی ادامه می‌یابد که همگی تن به تسلیم ندهند. خصوصاً با ناآرامی‌هایی که قصد براندازی را دارند به هیچ وجه مصالحه نمی‌توان کرد و در همه مراحل، اعمال قدرت نقش برجسته خواهد داشت. اهرم‌های روانی تبلیغی، سیاسی و... هیچگاه بر زمین گذاشته نمی‌شود؛ زیرا ظرفیت انسانها در تحمل مشقات یکسان نیست و حتی در بحبویه درگیری نیز می‌توان جاهلین و نادمین را جذب کرد.
- ۸- تاکتیکی صحیح است که هم درست و به موقع اجرا گردد و هم قادر به کسب نتایج اقدامات باشد. عدم کسب اطلاعات و تعمق در مورد نتایج، می‌تواند گمراه کننده باشد، یا بی دلیل دامنه خطرات گسترش می‌یابد و یا قبل از حل قطعی، برخورد و مسئولیت‌ها پایان یافته تلقی خواهد گشت.
- ۹- بعد از کنترل اوضاع نیز باید برنامه‌هایی در جهت جبران ضایعات و خسارات وارده، عدم تجاوز و توهین و تحقیر بازمانده‌ها و بستگان و ... تحلیل و ارزیابی دقیق

ماوقع و ادای حقوقی که برگردن نظام قرار می‌گیرد و نیز مشخص کردن کوتاهی‌ها و اشتباهات و مواخذه مسئولین سهل‌انگار و تقدیر از نیروهای عمل‌کننده تنظیم شود.

نتیجه‌گیری:

آشوب‌ها^(۱) و ناآرامی‌ها واقعیت‌های اجتماعی هستند که با اراده انسانها سر و کار دارند و بر اساس نیت‌ها و انگیزه‌هایی قوام می‌یابند. انگیزه‌ها نیز از زمینه‌هایی تغذیه می‌کنند و به صورت آشکار و پنهان خود را بروز می‌دهند. شناسایی زمینه‌ها و انگیزه‌های واقعی، بیشترین سهم را در موفقیت برخوردار با اخلاص گران‌دارا می‌باشد.

زمینه‌های شورش:

۱- زمانی که نسبت به موضوع و یا واقعیتی امکان تشخیص حق و باطل در جامعه از بین می‌رود. وجود شبهه و ابهام در تشخیص حق و باطل، خصوصاً آنجایی که خلاء ارتباطی بیشتری بین مردم و مسئولین مذهبی و دولتی وجود دارد، ملموس‌تر خواهد بود. شبهه می‌تواند مستقیماً به مبانی و مفاهیم مکتبی بازگشت کند و یا بطور غیر مستقیم و از طریق برنامه‌ها و سیاست‌ها و اجراییات دستگاه‌های دولتی بوجود آید. نکته حساس این است که معمولاً شخص شبهه دار برای حل مشکل، محتاج نیروهایی از بیرون می‌شود تا چهره قضایا با استدلال روشن شده و در واقع اگر سعی نشود صحنه درگیری حق و باطل به درون افراد شبهه دار کشانیده شود، قطعاً حل مسایل خود را در صحنه‌های درگیری بیرونی جستجو خواهند کرد. هستند افرادی که با تلفیق و صحنه‌سازیهایی هشیارانه، موضوع و موقعیت شبهه‌ناک را برای مردم ساده‌لوح و دارای ابهام، باطل جلوه می‌دهند. لذا در صورت عدم توفیق در تبیین چهره حقیقی آن موقعیت، شبهه‌دارها به سادگی به آلت دست و آغازکننده ناآرامی‌ها تبدیل می‌شوند. اصلاح سیستم ارتباطات و انتقال مفاهیم با زیباترین و مؤثرترین کلام‌ها با پوشش خبری

۱- فتنه یا آشوب عبارتست از فعالیت‌ها و هیجانات سر درگم در باره حوادث و واقعیاتی که دارای ابعاد مرکب از حق و باطل می‌باشند. زیرا آن اموری که حق محض یا باطل محض‌اند، مجالی به آشوبگران نمی‌دهند. (ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۳، ص ۸۱، محمد تقی جعفری).

و اطلاعاتی وسیع و بازگذاشتن مسیر ارتباطی مردم با مسئولین نقش تعیین کننده‌ای در از بین بردن شبهات و بی اثر سازی سیاستهای "اغفال گران" خواهد داشت. (۱)

۲- مسیر تحولات در یک جامعه و گذر از یک مرحله به مرحله دیگر همواره توأم با جابجایی‌ها و از بین رفتن موقعیت‌ها و ایجاد موقعیت‌های دیگر می‌باشد. در این صورت براحتی می‌توان افرادی را که موقعیت‌های ممتاز گذشته را از دست داده‌اند، تهییج کرد و آنها را وادار به مقابله و اختلال کرد. (۲)

۳- در جوامعی که گروههای سیاسی مخالف حق آزادی بیان دارند و در عین حال بر حفظ و بهبود موقعیت خود نسبت به سایر گروهها و حتی به قیمت آسیب رساندن به نظام پافشاری می‌کنند، همواره این زمینه وجود دارد که با ایجاد ناآرامی و یا گسترش دامنه آن به شیوه‌های مختلف و یا خنثی سازی تدابیر نظام، وقوع ناامنی را دلیلی بر صحت نظرات خود جلوه دهند و با حمایت مخفی از آشوبگران، آنرا در جهت تحکیم عقیده خود استخدام نمایند.

۴- بی عدالتی‌های آشکار اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و یا عدم کنترل بر جریانات خلاف، حساس ترین و خطرناکترین زمینه ناآرامی‌ها را بوجود می‌آورد. ظلم بر گروه و طایفه و یا عدم نظارت و مواخذه نسبت به ظالمین، هم فی نفسه پتانسیل ایجاد اغتشاش را دارد و هم در زمینه سایر موارد دیگر، جدی تر و خطرناکتر ظاهر می‌شوند؛ چرا که کفر و کمبود قابل تحمل تراز بی عدالتی است.

۵- وجود اختلافات مذهبی و تفاوت‌های قومی و گوناگونی آداب و سنن بخودی خود زمینه هیچ ناآرامی نیست. اما آنجایی که تعصب با جهل و بی خبری جمع می‌شود، وقوع هر آشوبی امکان پذیر است. چهره و نتیجه مهیب این جهل و تعصب، آنگاه آشکارتر می‌شود که با بی عدالتی‌های اقتصادی و سیاسی و خیره، چه حقیقی و چه ذهنی، همراه گردد.

۶- اگر با جریان آزاد اندیشه‌ها بدرستی برخورد شود، هم قابلیت و حقانیت نظام تایید می‌شود و هم اقتدار آن افزایش می‌یابد. حتی اندیشه مخالف را نیز می‌توان

۱- در این مورد برای اطلاع بیشتر می‌توان به همان منبع «ج ۳، ص ۱۰۷ - ۸۰» مراجعه کرد.

۲- در این مورد برای اطلاع بیشتر می‌توان به همان منبع «ج ۳، ص ۱۰۷ - ۸۰» مراجعه کرد.

بخدمت تثبیت نظام در آورد. اما نه با مماشات بلکه با پذیرش منطقی، در غیر این صورت یا خوراک دشمنان می شود و یا نسبت به نظام بی تفاوت می گردد که در هر دو صورت خطرناک می باشد، چراکه بی تفاوتی مستمر و همیشگی نیست.

۷- ثبات هر نظام هم تعاریف قانونی جامع را می طلبد و هم اجرای یکسان و همه جانبه آنرا، حال اگر در وضعیتی قانون سکوت کند و یا در صورت وجود قانون، به اجرا در نیاید و اگر به اجرا در می آید بطور تبعیضانه عمل شود، زمینه اعتراض ها بوجود می آید. چنین نقایص قانونی، آرام ترین افراد را نیز جری می سازد.

۸- بخصوص آنجایی که مذهب پایه حکومت است، هر تغایر و تناقضی بین فعل و قول، فرضیه بس خطرناکی را برای رشد و نمو ناآرامی ها بوجود می آورد. قیمت این عدم صداقت، ممکن است رویگردانی سست ایمانها و سطحی اندیشان هم از نظام و هم از مذهب باشد.

ب) ارتباط بین زمینه های ناآرامی ها و انگیزه ها صورت می گیرد. شناسایی انگیزه های واقعی مهمترین مرحله در کنترل و مهار آشوب ها می باشد. ممکن است انگیزه ها براحتی بیان نشوند و یا در صورت بیان، واقعی نباشند. در یک تقسیم بندی کلی، انگیزه معترضین به دو دسته قابل تقسیم است:

۱- آنهایی که انگیزه حق طلبی دارند. این انگیزه به تنهایی مطلوب و خوشایند است چون فطری است، اما آنجایی که در طلب حقیقت به خطا می روند، زمینه ها به شورش ها پیوند می خورد. شکل خطرناک این قضیه زمانی است که حقیقت طلبی و به خطا رفتن با مطلق نگری و سطحی اندیشیدن همراه گردد.

و در اینصورت حتی نماز شب خوانان و حافظان قرآن نیز آشوبگر از آب در خواهند آمد. در خطبه ۶۱ حضرت علی «ع» می فرماید: "لا تقاتلوا الخوارج بعدی ...". یعنی پس از من با خوارج نجنگید و علت این نهی را چنین بیان می دارد که کسی که حق را بجوید و به خطا رود مانند کسی نیست که خطا را بجوید و آنرا دریابد. خوارج اگر چه با نیت حق و به عنوان حق جویی به عقاید باطل و رفتار غلط دچار شده اند ولی اینگونه خطا و غلط غیر از آنست که با نیت خطا و تبهکاری و قدرت پرستی عقاید فاسد را برای خود اتخاذ نماید. کسی که با نیت حق در باطل می افتد بجهت نیت حقش با ارزش تر از گروهی است که با نیت باطل در باطل افتاده اند. مطابق سیره حضرت علی «ع» تا وقتی

این گروه قناعت به اعتقاد فاسد خود دارند و تعدی و تجاوز نمی‌کنند و در صدد تحمیل عقیده فاسد خود بر دیگران بر نمی‌آیند، مستحق برخورد جدی و جلوگیری از فعالیتشان نیستند. از اینجا تفاوت آزادی عقیده در اسلام و غرب نیز بخوبی معلوم می‌شود. اسلام با آزادی عقیده‌ای که جامعه را دچار اضطراب و تشویش و خونریزی کند و آزادی دیگران را از بین ببرد و نه تنها روشنگر واقعیات نباشد، بلکه با ایجاد و دامن زدن به ابهامات، مصالح اجتماع را به مخاطره اندازد، مخالف است و آنرا قابل تعقیب می‌داند. اما آنجا که آزادی عقیده با غرض ورزی و لجاجت همراه نیست و با فعالیت‌های مخرب سعی در پیشبرد عقیده فاسد نمی‌شود، نمی‌توان فقط به جهت اعتقاد به یک فکر فاسد، محدودیت ایجاد کرد و البته وظیفه تعلیم و تربیتی جامعه و اداره‌کنندگان آنست که با تبلیغ واقعیات، معتقدان به عقاید فاسد را ارشاد و راهنمایی کرد.^(۱)

۲- آنهایی که اراده باطل دارند و از آن نیز تبعیت می‌کنند که معمولاً این نیت را در لفافه‌ای از شعار مردمی و اسلامی به حق جلوه می‌دهند. اگر چه نسبت به این افراد، هنوز وظیفه تبیین حقایق همچنان باقی است، ولی برخورد شدیدتر و ملایمت کمتری را لازم دارند. کتمان و تحریف حقایق دو ابزار مهم در دست این گروه است تا در اغفال دیگران و از جمله حق طلبان سطحی‌اندیش موفق گردند. لذا برای خلع سلاح اینان، تعریف و تفسیر حقائق بطور مستمر و همه‌جانبه برای عموم مردم کارساز خواهد بود.

منابع:

خواننده برای اطلاع بیشتر از سیره حضرت علی (ع) در کنترل فتنه‌ها می‌تواند به ترجمه و تفسیر نهج البلاغه جلد‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۹، ۱۰، مراجعه نماید. برای درک اصطلاحات تخصصی مراجعه به کتاب استراتژی بزرگ نوشته جان، ام، کالنیز ترجمه کورش بایندر مفید خواهد بود. نحوه بررسی استراتژی تحت سه عنوان بنیان ترجیحات، تشکیلات و تأسیسات مأخوذ از رساله فوق لیسانس تهیه‌کننده مقاله است تحت عنوان "روش تجزیه" و تحلیل پدیده‌های اجتماعی "که در کتابخانه دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران موجود است.

سایر منابع:

آئین جهاد، بنیاد نهج البلاغه.
 انقلاب تکاملی اسلام، جلال الدین فارسی.
 خوارج از دیدگاه نهج البلاغه، درسهای استاد حسین نوری.
 مرامنامه دولتمردان و فلسفه حکومت اسلامی، از انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی